

بررسی تطبیقی مبانی فقهی و حقوقی قصاص و اعدام در فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت با تاکید بر قوانین کیفری ایران

اکبر هوشیاری^۱ نیلوفر محمودنسب^{۲*}

۱- استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران.

۲- کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران

چکیده

قصاص و اعدام از مهم‌ترین ضمانت اجرای سالب حیات در نظام‌های کیفری اسلامی مبتنی بر شریعت به شمار می‌روند که همواره در کانون مباحث فقهی، حقوقی و سیاست جنایی قرار داشته‌اند. اگرچه در عرف عمومی این دو مفهوم گاه مترادف تلقی می‌شوند، اما از منظر فقهی و حقوقی دارای ماهیت، مبانی و آثار متفاوتی هستند. قصاص در فقه اسلامی عمدتاً به عنوان حقی خصوصی - عمومی با کارکرد عدالت ترمیمی، بازدارندگی و حمایت از نظم اجتماعی شناخته می‌شود و اعدام بیشتر در قالب مجازات سالب حیات در جرایم حدی، تعزیری و یا در موارد خاص قانونی مطرح می‌گردد. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی تطبیقی مبانی فقهی و حقوقی قصاص و اعدام در فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت و تحلیل انعکاس این مبانی در قوانین کیفری ایران است. این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و روش تطبیقی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، در پی پاسخ به این پرسش است که مبانی مشروعیت، قلمرو اجرا، شرایط اثبات، نقش بزه دیده و اولیای دم و نسبت حق الله و حق الناس در نهاد قصاص و اعدام در میان مکاتب فقهی اسلامی چه تفاوت‌ها و اشتراک‌هایی دارد و این اختلافات چگونه در سیاست کیفری ایران بازتاب یافته است. این پژوهش مبانی فقهی و حقوقی قصاص و اعدام را در فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) مورد بررسی قرار داده و سپس انعکاس این دیدگاه‌ها را در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران تحلیل می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اگر چه اصل مشروعیت قصاص در فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت مورد اتفاق است، ولی در مبانی نظری، شرایط تحقق، گستره اعمال، نحوه اثبات و آثار گذشت اولیای دم تفاوت‌هایی قابل ملاحظه وجود دارد. همچنین در حقوق کیفری ایران، نهاد قصاص بیش از آنکه صرفاً یک ابزار کیفری باشد، برآمده از ترکیبی از مبانی فقه امامیه، ملاحظات تقنینی و ضرورت‌های نظم عمومی است؛ در حالیکه اعدام در برخی موارد فراتر از چارچوب سنتی قصاص، در حوزه حدود و تعزیرات نیز توسعه یافته است. در همه مذاهب اسلامی مشروعیت قصاص را بر پایه نصوص قرآن و سنت پذیرفته‌اند، همچنین اعدام از حیث ماهیت با قصاص تفاوت بنیادین دارد. قانون مجازات اسلامی ایران نیز عمدتاً مبتنی بر مبانی فقه امامیه تدوین شده است. در نهایت پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مطالعه تطبیقی این دو نهاد می‌تواند در فهم بهتر ساختار عدالت کیفری اسلامی و ارزیابی انتقادی سیاست جنایی ایران نقش مهمی ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: قصاص، اعدام، فقه امامیه، مذاهب چهارگانه اهل سنت، حق الناس، حق الله، حقوق کیفری ایران.

مقدمه .

حق حیات از بنیادی‌ترین حقوق انسانی و از مهم‌ترین ارزش‌های مورد حمایت نظام‌های حقوقی است. بااین‌حال، در بسیاری از نظام‌های کیفری، سلب حیات در مواردی خاص به‌عنوان شدیدترین واکنش نسبت به جرایم سنگین پیش‌بینی شده است. در حقوق کیفری اسلام، این سلب حیات عمدتاً در قالب دو نهاد متمایز اما مرتبط یعنی قصاص و اعدام قابل بررسی است. قصاص، به ویژه در جنایات عمدی علیه نفس و تمامیت جسمانی، ریشه در نصوص قرآنی، روایی و اجماع فقیهان دارد و از دیرباز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های عدالت کیفری در فقه اسلامی مطرح بوده است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج. ۴، صص. ۲۲۵-۲۴۵؛ نجفی، ۱۹۸۱، ج. ۴۲، صص. ۵-۲۰). در مقابل، اعدام در مفهوم عام حقوقی خود ممکن است ناظر بر اجرای مجازات سالب حیات در حوزه‌های مختلفی چون حدود، تعزیرات و در مواردی خاص از جرایم علیه امنیت و نظم عمومی باشد؛ ازاین‌رو، نسبت میان قصاص و اعدام همواره نیازمند تفکیک مفهومی و تحلیل دقیق فقهی و حقوقی است. با وجود آنکه قصاص و اعدام از حیث نتیجه نهایی، یعنی سلب حیات، ممکن است مشابه به نظر برسند، اما از لحاظ مبنا، ماهیت، صاحب حق، قلمرو اجرا و آثار حقوقی تفاوت‌های بنیادین دارند (اردبیلی، ۱۴۰۰، ج. ۲، صص. ۲۵۲-۲۴۵). متون فقهی امامیه و اهل سنت، قصاص نه تنها یک ضمانت اجرای کیفری، بلکه نهادی چند بعدی با کارکردهای اخلاقی، اجتماعی و بازدارنده تلقی می‌شود. آیات قرآن کریم، به‌ویژه آیه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ»، مبنای اصلی مشروعیت و فلسفه حیات بخش این نهاد دانسته شده‌اند (قرآن کریم، بقره: ۱۷۹).

بااین‌حال، شیوه فهم و تفسیر این مشروعیت، شرایط اجرای قصاص، آثار عفو و مصالحه، جایگاه اولیای دم و قلمرو حق الله و حق الناس در میان فقیهان امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت یکسان نیست. برای نمونه، در فقه امامیه، قصاص غالباً با تأکید بیشتری بر جنبه حق الناسی و اختیار اولیای دم تحلیل می‌شود، درحالی‌که در برخی رویکردهای اهل سنت، ملاحظات مرتبط با نظم عمومی و اقتدار حاکم نیز برجستگی بیشتری می‌یابد (ابن‌قدامة، ۱۴۰۵ق، ج. ۸، صص. ۲۳۶-۲۴۵؛ سرخسی، ۱۹۹۳، ج. ۲۶، صص. ۵۵-۶۵). اهمیت این بحث در حقوق ایران دوچندان است؛ زیرا قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در قانون مجازات اسلامی، بسیاری از احکام قصاص را بر مبنای فقه امامیه تنظیم کرده، اما در عین حال در برخی حوزه‌ها، اعدام را در قالب حدود، تعزیرات و مجازات‌های مقرر در قوانین خاص نیز پیش‌بینی کرده است (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج. ۲، صص. ۴۸۵-۴۹۰؛ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، مواد ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۷۹ تا ۲۸۶ و ۳۸۱؛ اردبیلی، ۱۴۰۰، ج. ۲، صص. ۲۴۵-۲۵۲).

ازاین‌رو، بررسی تطبیقی قصاص و اعدام نه تنها از حیث مبانی نظری و فقهی اهمیت دارد، بلکه از منظر تقنینی و اجرایی نیز می‌تواند به روشن شدن حدود و ثغور مداخله دولت، نقش اراده بزه‌دیده، و نسبت عدالت خصوصی و عدالت عمومی کمک کند. از سوی دیگر، تفاوت میان قصاص و اعدام در ادبیات حقوقی معاصر گاه به درستی تبیین نشده و در برخی تحلیل‌ها این دو مفهوم به‌جای یکدیگر به کار می‌روند؛ حال آنکه قصاص، در معنای دقیق فقهی و حقوقی، نهادی مستقل با شرایط، ارکان و آثار ویژه خود است و لزوماً با هر نوع مجازات سالب حیات انطباق ندارد. اعدام ممکن است محصول حکم حکومتی یا کیفر قانونی در جرایم خاص باشد، اما قصاص مستقیماً با جنایت علیه نفس یا عضو و حق استیفای اولیای دم پیوند می‌خورد (اردبیلی، ۱۴۰۰، ج. ۲، صص. ۲۴۵-۲۵۵؛ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، مواد ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۳۸۱ و ۳۸۲). همین تمایز، ضرورت بازخوانی تطبیقی این دو نهاد را در چارچوب مکاتب فقهی اسلامی و نظام حقوقی ایران آشکار می‌سازد.

۱-۱. بیان مسئله

مسئله اصلی این پژوهش آن است که مبانی فقهی و حقوقی قصاص و اعدام در فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد و این شباهت‌ها و تفاوت‌ها چه تأثیری بر ساختار و محتوای قوانین کیفری ایران گذاشته‌اند؟ در پاسخ به این مسئله، پژوهش حاضر می‌کوشد نخست، مفهوم و مبانی مشروعیت قصاص و اعدام را در منابع فقهی امامیه و مذاهب حنفی، مالکی،

شافعی و حنبلی بررسی کند؛ دوم، تفاوت‌های موجود در شرایط تحقق، ادله اثبات، موارد سقوط، آثار گذشت، و جایگاه حاکم و اولیای دم را تحلیل نماید؛ و سوم، بازتاب این مباحث را در قانون مجازات اسلامی ایران و برخی قوانین کیفری مرتبط ارزیابی کند.

۱-۲. پرسش اصلی پژوهش

مبانی فقهی و حقوقی قصاص و اعدام در فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد و این دیدگاه‌ها چه تأثیری بر حقوق کیفری ایران داشته‌اند؟

۱-۳. فرضیه پژوهش

فرضیه قابل طرح آن است که هرچند اصل مشروعیت قصاص در تمام مذاهب فقهی اسلامی پذیرفته شده، اما در تعیین قلمرو، فلسفه، شیوه اجرا و نسبت آن با اقتدار دولت اختلاف‌نظرهایی وجود دارد که این اختلافات در نحوه صورت‌بندی مقررات کیفری ایران نیز اثرگذار بوده است. همچنین، به نظر می‌رسد که قانون‌گذار ایرانی در تفکیک میان قصاص به‌عنوان حق الناس و اعدام به‌عنوان مجازات حکومتی یا عمومی، از یک سو تحت تأثیر مبانی فقه امامیه و از سوی دیگر متأثر از ضرورت‌های سیاست جنایی معاصر عمل کرده است. پژوهش حاضر از نوع نظری و با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام می‌شود. در این راستا، ابتدا مبانی مفهومی و ادله شرعی قصاص و اعدام در قرآن، سنت و آرای فقهی بررسی می‌شود، سپس دیدگاه‌های فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت در محورهای اصلی مقایسه می‌گردد، و در نهایت جایگاه این مباحث در قوانین کیفری ایران مورد تحلیل قرار می‌گیرد. انتظار می‌رود نتایج این تحقیق بتواند به غنای ادبیات فقه کیفری، تبیین دقیق‌تر نسبت میان حق خصوصی و نظم عمومی، و نیز ارائه تحلیلی منسجم از ساختار کیفری جمهوری اسلامی ایران کمک کند.

۱-۴. روش پژوهش

این پژوهش از نوع نظری و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. رویکرد اصلی آن تطبیقی است و داده‌های پژوهش از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع فقهی امامیه، منابع مذاهب چهارگانه اهل سنت، قوانین کیفری ایران و آثار حقوقی مرتبط گردآوری شده است. در این راستا، ابتدا مفاهیم و مبانی نظری قصاص و اعدام تبیین می‌شود، سپس دیدگاه‌های فقه امامیه و مذاهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی مقایسه می‌گردد و در نهایت بازتاب این مباحث در قانون مجازات اسلامی ایران تحلیل می‌شود.

۱-۵. پیشینه پژوهش

در زمینه قصاص و اعدام، آثار متعددی در حوزه فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران نگاشته شده است. در منابع فقه امامیه، کتاب شرائع الاسلام اثر محقق حلی از مهم‌ترین منابع کلاسیک در تبیین احکام قصاص، دیات، شرایط استیفای قصاص و جایگاه اولیای دم محسوب می‌شود. محقق حلی در این اثر، قصاص را نهادی مبتنی بر نصوص شرعی دانسته و بر رعایت شرایط دقیق اجرای آن تأکید کرده است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج. ۴، صص. ۲۴۵-۲۲۵). و جواهر الکلام اثر نجفی از جامع‌ترین آثار فقه امامیه در زمینه قصاص و دیات است. نجفی ضمن بررسی گسترده آرای فقهای امامیه، بر جنبه حق الناسی قصاص، نقش اولیای دم در استیفای حق، و امکان عفو و مصالحه تأکید کرده است (نجفی، ۱۹۸۱، ج. ۴۲، صص. ۱۸-۵). همچنین، لازم به ذکر است که در حوزه فقه سیاسی و کیفری امامیه، اثر تحریرالوسیله امام خمینی نیز از منابع مهم در تحلیل حدود، قصاص و نقش حاکم اسلامی در اجرای مجازات‌ها به شمار می‌رود. این اثر بر تفکیک میان حدود به‌عنوان احکام حق الهی و قصاص به‌عنوان حقی وابسته به اراده اولیای دم تأکید دارد (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج. ۲، صص. ۴۸۵-۴۹۰).

در فقه اهل سنت نیز آثاری همچون المبسوط سرخسی، المغنی ابن‌قدامة و بدایة المجتهد ابن‌رشد، مباحث مهمی درباره قصاص، حدود و مجازات‌های سالب حیات مطرح کرده‌اند. این آثار ضمن پذیرش اصل مشروعیت قصاص، به اختلافات مذاهب در زمینه شرایط اجرا، نقش حاکم و آثار گذشت پرداخته‌اند (سرخسی، ۱۹۹۳، ج. ۲۶، صص. ۶۸-۵۵؛ ابن‌قدامة، ۱۴۱۷ق، ج. ۸، صص. ۲۵۸-۲۳۶؛ ابن‌رشد، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸، ج. ۲، صص. ۴۱۰-۴۰۱). و در حقوق کیفری ایران، نویسندگانی مانند اردبیلی، میرمحمدصادقی و جعفری لنگرودی به بررسی ماهیت مجازات‌ها، جایگاه قصاص و اعدام و نسبت آن‌ها با اصول حقوق کیفری پرداخته‌اند. این آثار بیشتر بر جنبه‌های قانونی، سیاست جنایی، شرایط اثبات و آثار حقوقی این مجازات‌ها تمرکز دارند (اردبیلی، ۱۴۰۰، ج. ۲، صص. ۲۵۲-۲۴۵؛ میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱، ج. ۲، صص. ۳۳۰-۳۲۵؛ جعفری لنگرودی، بی‌تا).

با وجود گستردگی این مطالعات، بخش قابل توجهی از پژوهش‌های پیشین یا صرفاً به قصاص پرداخته‌اند یا بررسی اعدام را جدا از قصاص مورد توجه قرار داده‌اند. همچنین، پژوهش‌هایی که به‌صورت هم‌زمان و تطبیقی، مبانی قصاص و اعدام را در فقه امامیه، مذاهب چهارگانه اهل سنت و حقوق کیفری ایران بررسی کنند، محدود است. از این‌رو، نوآوری پژوهش حاضر در تحلیل تطبیقی دو نهاد سالب حیات و بررسی بازتاب اختلافات فقهی در ساختار حقوق کیفری ایران است.

۲. مفاهیم و مبانی نظری

۲-۱. مفهوم قصاص

قصاص در لغت از ریشه «قصّ» به معنای پی‌گیری، دنبال کردن اثر و همانند کردن آمده است. در اصطلاح فقهی و حقوقی، قصاص به مجازاتی اطلاق می‌شود که در آن، جنایت وارده بر نفس یا عضو، به‌صورت برابر و متناسب بر جانی اعمال می‌گردد؛ به بیان دیگر، قصاص نوعی پاسخ کیفری مبتنی بر مماثلت میان جرم و مجازات است که در جنایات عمدی علیه نفس، اعضا و منافع مورد شناسایی قرار گرفته است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج. ۴، ص. ۲۲۵؛ نجفی، ۱۹۸۱، ج. ۴۲، صص. ۵-۷).

در فقه اسلامی، قصاص صرفاً یک واکنش کیفری خشک و انتزاعی نیست، بلکه نهادی است که در پی برقراری توازن میان حق بزه‌دیده، نظم اجتماعی و عدالت شرعی است. در فقه امامیه، قصاص غالباً در زمره حقوق الناس تحلیل می‌شود؛ بدین معنا که استیفای آن اصولاً در اختیار مجنی‌علیه یا اولیای دم قرار دارد و آنان می‌توانند علاوه بر مطالبه قصاص، از حق خود گذشت کرده یا به دریافت دیه رضایت دهند (نجفی، ۱۹۸۱، ج. ۴۲، صص. ۵-۱۸). این ویژگی، قصاص را از بسیاری از مجازات‌های عمومی متمایز می‌سازد؛ زیرا در آن، اراده بزه‌دیده یا اولیای او نقشی محوری دارد. با این حال، این حق خصوصی در خلأ اعمال نمی‌شود، بلکه اجرای آن در چارچوب ضوابط شرعی و با مداخله مرجع صالح قضایی تحقق می‌یابد. در مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز اصل مشروعیت قصاص پذیرفته شده و آن را از احکام قطعی شریعت دانسته‌اند، هرچند در برخی جزئیات مربوط به شرایط اجرا، دایره شمول، نقش حاکم و آثار عفو اختلافاتی میان آنان وجود دارد. بر این اساس، قصاص را باید نهادی مشترک در فقه جزایی اسلامی دانست که هم‌زمان دارای ابعاد عبادی، اخلاقی، اجتماعی و حقوقی است. از منظر حقوق کیفری ایران نیز قصاص یکی از مهم‌ترین نهادهای کیفری است که در قانون مجازات اسلامی در قالب قصاص نفس و قصاص عضو تنظیم شده است. قانون‌گذار ایران با الهام مستقیم از مبانی فقه امامیه، قصاص را حقی برای مجنی‌علیه یا اولیای دم شناخته و در عین حال، شرایط، موانع و تشریفات اجرای آن را به‌صورت قانونی تبیین کرده است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، مواد ۳۸۱، ۳۸۲ و ۳۸۶) بنابراین، در نظام حقوقی ایران، قصاص دارای ماهیتی دوگانه است: از یک‌سو ریشه در فقه و حق خصوصی دارد و از سوی دیگر، اجرای آن بدون سازوکار رسمی حاکمیتی ممکن نیست.

۲-۲. مفهوم اعدام

اعدام در مفهوم حقوقی، مجازاتی سالب حیات است که به موجب حکم مرجع صالح قضایی و بر اساس قانون، علیه مرتکب برخی از شدیدترین جرایم اعمال می‌شود. برخلاف قصاص که در معنای خاص فقهی خود ناظر به پاسخ متقابل به جنایت عمدی علیه نفس

یا عضو است، اعدام مفهومی عام‌تر دارد و ممکن است در حوزه حدود، تعزیرات یا مجازات‌های مقرر در قوانین خاص مورد استفاده قرار گیرد (اردبیلی، ۱۴۰۰، ج. ۲، صص. ۲۴۵-۲۴۸؛ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، مواد ۱۶، ۱۷ و ۲۸۹)؛ از این‌رو، هر قصاص نفس به لحاظ نتیجه، سلب حیات است، اما هر سلب حیاتی را نمی‌توان قصاص دانست.

تمایز میان قصاص و اعدام از حیث مبنا، صاحب حق و فلسفه تقنینی اهمیت بنیادین دارد. قصاص مبتنی بر حق استیفای مجنی‌علیه یا اولیای دم و اصل مقابله به مثل است، در حالی که اعدام در بسیاری از موارد، مجازاتی عمومی و ناشی از حق جامعه یا دولت در حفظ نظم، امنیت و ارزش‌های بنیادین تلقی می‌شود. به همین دلیل، در جرایمی که مجازات آن‌ها اعدام است، گذشت بزه‌دیده یا اولیای او لزوماً موجب سقوط مجازات نمی‌شود، مگر آنکه قانون چنین اثری را پیش‌بینی کرده باشد (اردبیلی، ۱۴۰۰، ج. ۲، صص. ۲۴۵-۲۵۲؛ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، مواد ۱۶، ۱۷، ۳۸۱ و ۴۲۷).

در فقه اسلامی، عنوان «اعدام» به شکل اصطلاح حقوقی جدید کمتر در متون کلاسیک دیده می‌شود، اما مصادیق سلب حیات قانونی در قالب حدود، قصاص و در برخی موارد تعزیرات مورد بحث قرار گرفته‌اند. بنابراین، اعدام در ادبیات حقوقی جدید بیشتر مفهومی عام و برآمده از نظام تقنین معاصر است که برخی مصادیق آن در فقه سنتی ذیل عناوینی چون قتل به‌عنوان حد یا اجرای مجازات بر جرایم خاص قابل شناسایی است. از این منظر، اعدام را می‌توان عنوانی فراگیر دانست که بخشی از آن با قصاص منطبق می‌شود، اما از آن فراتر می‌رود. در نظام حقوقی ایران نیز اعدام به‌عنوان یکی از شدیدترین مجازات‌ها در مواردی چون برخی حدود، بعضی جرایم مواد مخدر، و پاره‌ای جرایم مهم علیه امنیت و نظم عمومی پیش‌بینی شده است. این در حالی است که قصاص نفس، با وجود آنکه در عمل به سلب حیات می‌انجامد، از لحاظ حقوقی و ساختار تقنینی در زمره مجازات‌های مستقل قرار می‌گیرد و تابع قواعد خاص خود است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، مواد ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۸۲ و ۳۸۱). در نتیجه، تفکیک مفهومی و نهادی میان قصاص و اعدام برای تحلیل دقیق سیاست کیفری ایران ضروری است.

۲-۳. مبانی فقهی و حقوقی قصاص

مهم‌ترین مبانی فقهی قصاص را باید در قرآن کریم، سنت و اجماع فقها جست‌وجو کرد. قرآن کریم در آیات متعدد، مشروعیت قصاص را مورد تصریح قرار داده و آن را وسیله‌ای برای پاسداری از حیات اجتماعی، جلوگیری از تجاوز و استقرار عدالت دانسته است. آیه مشهور «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» مهم‌ترین مستند قرآنی در این زمینه است که فقیهان آن را بیانگر فلسفه اجتماعی و بازدارنده قصاص تلقی کرده‌اند (قرآن کریم، بقره، ۱۷۹). همچنین آیات دیگری که به مقابله متناسب با جنایت و رعایت عدالت در خون‌خواهی اشاره دارند، در استنباط حکم قصاص نقش اساسی داشته‌اند. در فقه امامیه، قصاص افزون بر آنکه مستند به نصوص قطعی است، با اصولی چون عدالت، حرمت خون انسان، لزوم حمایت از بزه‌دیده و جلوگیری از هرج‌ومرج نیز توجیه می‌شود. فقیهان امامیه بر این باورند که اگرچه عفو و گذشت از ارزش اخلاقی بالایی برخوردار است، اما اصل تشریع قصاص برای تضمین نظم اجتماعی و جلوگیری از تکرار جنایت ضرورت دارد (نجفی، ۱۹۸۱، ج. ۴۲، صص. ۵-۱۸). در این چارچوب، قصاص نه نشانه خشونت تقنینی، بلکه پاسخی منضبط و قاعده‌مند به شدیدترین تعرض علیه حیات و سلامت اشخاص محسوب می‌شود. روایات نیز در تبیین شرایط، موانع و کیفیت اجرای قصاص نقش مهمی دارند. منابع روایی امامیه، از جمله وسائل الشیعه، مباحث گسترده‌ای درباره قصاص نفس، عضو، شرایط تساوی، ممنوعیت تعدی در استیفای حق و آثار عفو دربردارند.

این روایات نشان می‌دهند که قصاص در فقه اسلامی نهادی کاملاً ضابطه‌مند است و برخلاف انتقام شخصی، تحت قواعد دقیق شرعی اعمال می‌شود. در مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز قصاص بر پایه قرآن، سنت و اجماع مشروع شناخته شده است. فقهای حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی هرچند در اصل حکم اتفاق نظر دارند، اما در برخی جزئیات مانند شرایط هم‌کفو بودن جانی و مجنی‌علیه، نقش مباشرت و تسبیب، و حدود اختیار اولیای دم اختلافاتی ابراز کرده‌اند (سرخسی، ۱۹۹۳، ج. ۲۶، صص. ۵۵-۶۸؛ ابن‌رشد، ۱۴۰۸/ق ۱۹۸۸، ج. ۲، صص. ۴۰۱-۴۱۰؛ ابن‌قدامة، ۱۴۱۷/ق ۱۹۹۷، ج. ۸، صص. ۲۳۶-۲۵۸). با وجود این تفاوت‌ها، در مجموع

قصاص در اندیشه فقهی اهل سنت نیز ابزاری برای تحقق عدالت و صیانت از امنیت عمومی دانسته می‌شود. یکی دیگر از مبانی مهم قصاص، تفکیک آن از انتقام‌جویی شخصی است. در جوامع پیشادولتی، خون‌خواهی غالباً به چرخه‌ای از خشونت متقابل منجر می‌شد، اما شریعت اسلامی با ضابطه‌مند کردن قصاص، این چرخه را محدود ساخته و آن را در قالب حق قانونی و شرعی تعریف کرده است. از این حیث، قصاص را می‌توان سازوکاری برای تبدیل انتقام نامحدود به عدالت محدود و قانونمند دانست؛ سازوکاری که هم حق اولیای دم را به رسمیت می‌شناسد و هم مانع تجاوز از حدود عدالت می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۳، ج. ۲، صص. ۳۲۵-۳۳۰). در نظام حقوقی ایران، مبانی اصلی قصاص، فقه امامیه و اصول قانون اساسی مبتنی بر اسلامی بودن قوانین است. قانون مجازات اسلامی با پذیرش تقسیم‌بندی سنتی مجازات‌ها، قصاص را به‌عنوان یکی از اقسام اصلی پاسخ کیفری شناسایی کرده و برای آن احکام مستقل مقرر داشته است. در این قانون، قصاص نه صرفاً به‌عنوان یک کیفر دولتی، بلکه به‌مثابه حقی برای بزه‌دیده یا اولیای دم شناخته می‌شود که اعمال آن نیازمند مطالبه صاحب حق و صدور حکم از سوی دادگاه صالح است. از منظر حقوقی، یکی از مهم‌ترین مبانی قصاص در ایران، حمایت از حق حیات از طریق واکنش متناسب به سلب عمدی آن است. هرچند در نگاه نخست ممکن است چنین به نظر برسد که قصاص با حق حیات در تعارض است، اما تحلیل قانون‌گذار ایرانی این است که تضمین حرمت جان انسان‌ها بدون پیش‌بینی شدیدترین ضمانت اجرا در برابر قتل عمدی ممکن نیست. به تعبیر دیگر، قانون‌گذار قصاص را ابزار حمایت از حیات جمعی و تقویت بازدارندگی کیفری تلقی کرده است (اردبیلی، ۱۴۰۰، ج. ۲، صص. ۲۴۵-۲۵۲). همچنین، در حقوق ایران، قصاص با نهادهایی چون دیه، عفو و صلح پیوند نزدیک دارد. این پیوند نشان می‌دهد که سیاست کیفری ایران در قبال جنایات عمدی، صرفاً بر حذف فیزیکی جانی استوار نیست، بلکه امکان جایگزینی قصاص با سازوکارهای ترمیمی و توافقی را نیز پیش‌بینی کرده است. این خصوصیت، بازتاب همان مبانی فقهی حق الناس بودن قصاص است که به اولیای دم اجازه می‌دهد میان استیفای قصاص، دریافت دیه یا گذشت بلاعوض یکی را برگزینند (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، مواد ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۱ و ۳۶۰).

۲-۴. مبانی فقهی و حقوقی اعدام

مبانی اعدام، برخلاف قصاص، متکثرتر و از حیث فقهی و حقوقی پیچیده‌تر است؛ زیرا اعدام عنوانی عام است که می‌تواند بر انواع مختلفی از سلب حیات قانونی صدق کند. در فقه اسلامی، مشروعیت برخی از مصادیق سلب حیات از طریق حدود شرعی، مانند مجازات برخی جرایم بسیار سنگین، بر پایه نصوص قرآنی، روایی و اجتهاد فقهی توجیه شده است. در این‌جا، برخلاف قصاص، مبنا صرفاً حق خصوصی بزه‌دیده نیست، بلکه حق الهی، مصالح عمومی و صیانت از نظم و امنیت جامعه نیز مطرح می‌شود (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج. ۷، صص. ۵۲۵-۵۲۵).

در فقه امامیه، اعدام در مواردی که ذیل حدود یا برخی احکام خاص قرار می‌گیرد، بیشتر با تأکید بر جنبه حق‌اللهی و حفظ نظام اجتماعی تحلیل می‌شود. بدین معنا که اجرای چنین مجازاتی، حتی در صورت فقدان شاکی خصوصی یا گذشت وی، ممکن است به دلیل ماهیت عمومی جرم همچنان موجه تلقی شود. این امر، یکی از تفاوت‌های اساسی اعدام با قصاص است؛ زیرا در قصاص، اراده اولیای دم نقش تعیین‌کننده دارد، اما در اعدام‌های ناشی از حدود یا برخی جرایم عمومی، اراده دولت و جامعه برجسته‌تر است (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج. ۲، صص. ۴۸۵-۴۹۰). در حقوق کیفری ایران نیز اعدام بر پایه ترکیبی از مبانی شرعی، قانونی و سیاست جنایی تقنینی استوار است. قانون‌گذار در مواردی، برای برخی رفتارها به دلیل شدت تهدید علیه امنیت، عفت عمومی، یا بنیان‌های اساسی جامعه، مجازات اعدام پیش‌بینی کرده است. این سیاست بر این فرض استوار است که برخی جرایم چنان سنگین‌اند که مجازات‌های خفیف‌تر توان تأمین بازدارندگی یا حمایت مؤثر از نظم عمومی را ندارند (اردبیلی، ۱۴۰۰، ج. ۲، صص. ۲۴۵-۲۵۲؛ میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱، ج. ۲، صص. ۳۲۵-۳۳۰؛ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، مواد ۲۸۶، ۲۸۷ و ۲۸۸). با این حال، اعدام همواره یکی از بحث‌برانگیزترین مجازات‌ها در حقوق کیفری معاصر بوده است. موافقان آن بر ضرورت بازدارندگی، حمایت از جامعه و تناسب

با برخی جرایم خاص تأکید می‌کنند و مخالفان، آن را از منظر حقوق بشری، امکان خطای قضایی و غیرقابل بازگشت بودن مجازات مورد انتقاد قرار می‌دهند. در نظام حقوقی ایران، با وجود استمرار مشروعیت قانونی اعدام، این مجازات باید در چارچوب اصل قانونی بودن جرم و مجازات، دادرسی عادلانه و تفسیر مضیق قوانین کیفری اعمال شود.

۵-۲. نسبت مفهومی قصاص و اعدام

بررسی تعریف و مبانی قصاص و اعدام نشان می‌دهد که این دو نهاد هرچند در نتیجه نهایی، یعنی سلب حیات، ممکن است به یکدیگر نزدیک شوند، اما از حیث ماهیت، مبنا، صاحب حق، قلمرو اجرا و آثار حقوقی یکسان نیستند. قصاص نهادی فقهی - حقوقی با تکیه بر اصل مقابله به مثل و حق اولیای دم است، در حالی که اعدام بیشتر عنوانی عام برای شدیدترین مجازات دولتی در قبال برخی جرایم خاص محسوب می‌شود. از این رو، خلط این دو مفهوم می‌تواند به ابهام در تحلیل فقهی و حقوقی منجر شود. در فقه امامیه و نیز در نظام حقوقی ایران، این تمایز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قصاص، با وجود شدت، همچنان به سازوکارهای عفو، صلح و دیه پیوند دارد و ساختار آن بر محور حق خصوصی تنظیم شده است؛ اما اعدام در بسیاری از موارد، بیانگر غلبه حق عمومی و مصلحت اجتماعی است. بر همین اساس، مطالعه تطبیقی این دو نهاد زمینه‌ای مناسب برای فهم دقیق‌تر فلسفه مجازات در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران فراهم می‌سازد (اردبیلی، ۱۴۰۰، ج. ۲، صص. ۲۴۵-۲۴۸).

۳. مبانی فقهی قصاص در قرآن و سنت و آرا فقها

قصاص از احکام مهم فقه اسلامی است که مستند آن، پیش از هر چیز، نصوص قرآن کریم و سنت نبوی است. اصلی‌ترین مستند قصاص آیه ۱۷۸ سوره بقره: (یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی) همچنین آیه ۱۷۹ سوره بقره: (ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الألباب) میباشد. همچنین آیه شریفه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ» نشان می‌دهد که تشریع قصاص نه برای انتقام کور، بلکه برای حراست از حیات اجتماعی و جلوگیری از تکرار جنایت است (قرآن کریم، بقره، ۱۷۹). همچنین آیات مربوط به قتل عمد و لزوم پیروی از حدود الهی، پشتوانه تشریعی قصاص را تقویت می‌کند. در سنت نبوی نیز اصل قصاص در موارد قتل عمد و جرح عمدی مورد تأیید قرار گرفته است. فقیهان امامیه و اهل سنت با تکیه بر این ادله، قصاص را به‌عنوان ضمانت اجرای شرعی جنایات عمدی پذیرفته‌اند. با این حال، در تبیین ماهیت آن اختلافاتی وجود دارد: برخی بر جنبه حق الناسی آن تأکید کرده‌اند و برخی دیگر، آن را از حیث اجرا با ملاحظه اقتدار حاکم و مصلحت عمومی تحلیل کرده‌اند.

از منظر فلسفه تشریع، قصاص سه هدف عمده دارد: نخست، اعاده عدالت و تناسب میان جرم و مجازات؛ دوم، بازدارندگی از ارتکاب جنایت؛ و سوم، حمایت از حق حیات و نظم عمومی. بدین ترتیب، قصاص در عین آنکه مجازاتی شدید است، کارکردی پیشگیرانه و اصلاحی نیز دارد. فقهای مسلمان این آیات را دلیل قطعی مشروعیت قصاص دانسته‌اند. در روایات نبوی نیز اصل قصاص مورد تأیید قرار گرفته است.

۴. دیدگاه فقه امامیه درباره قصاص و اعدام

۱-۴. ماهیت حق الناسی قصاص

در فقه امامیه، قصاص بیش از هر چیز به‌عنوان حق اولیای دم شناخته می‌شود. این تحلیل مبتنی بر آن است که قتل عمد، افزون بر جنبه الهی، تجاوز به حق خصوصی بزه‌دیده و خانواده او نیز هست. از این رو، استیفای قصاص در اختیار اولیای دم قرار گرفته و اجرای آن بدون مطالبه آنان ممکن نیست (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج. ۴، صص. ۲۲۵-۲۳۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج. ۱۵، صص. ۵۵-۶۲؛ نجفی، ۱۹۸۱، ج. ۴۲، صص. ۸-۱۸).

۴-۲. نقش اولیای دم

قانون مجازات اسلامی نیز در همین چارچوب تنظیم شده است. ماده ۳۵۱ مقرر می‌کند که ولی‌دم همان ورثه مقتول هستند، به جز زوج یا زوجه. همچنین ماده ۳۸۱ بیان می‌دارد که مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی‌دم و وجود سایر شرایط قانونی، قصاص است. این مواد نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایران، قصاص بر حق استیفای اولیای دم بنا شده و اراده آنان در تحقق یا سقوط آن نقش تعیین‌کننده دارد (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

۴-۳. عفو، صلح و تبدیل قصاص به دیه

یکی از مهم‌ترین امتیازات فقه امامیه، پذیرش گسترده عفو و صلح در قصاص است. اولیای دم می‌توانند از حق قصاص صرف‌نظر کرده و با جانی بر اخذ دیه یا کمتر و بیشتر از آن مصالحه کنند. این ویژگی نشان‌دهنده ماهیت حق‌الناسی قصاص و غلبه جنبه ترمیمی و مصالحه‌ای در آن است.

۴-۴. اعدام در حدود و تعزیرات از منظر امامیه

در فقه امامیه، اعدام به‌عنوان اصطلاحی عام در مجازات‌های سالب حیات بیشتر در حوزه حدود و گاه تعزیرات مطرح می‌شود. برای نمونه، در محاربه و افساد فی‌الارض، قانون‌گذار بر اساس فقه امامیه مجازات اعدام را در کنار مجازات‌های دیگر پیش‌بینی کرده است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، مواد ۲۷۹ تا ۲۸۶). در این موارد، مجازات ماهیتی عمومی و حق‌اللهی دارد و وابسته به مطالبه اولیای دم نیست.

۵. دیدگاه مذاهب چهارگانه اهل سنت درباره قصاص و حدود**۵-۱. مذهب حنفی**

فقه حنفی اعدام را دربرخی از جرایم حدی، مانند زناى محصن و محاربه می‌پذیرد. همچنین قصاص را مشروع می‌داند و آن را درجانیات عمدی بر نفس و عضو می‌پذیرد. درالمبسوط، سرخسی قصاص را از ضمانت‌اجراهای شرعی لازم برای حفظ نظم و منع تعدی می‌داند (کاسانی، ۱۳۶۵، ج. ۷، ص. ۲۳۵). در این مذهب نیز رضایت اولیای دم، امکان عفو و مصالحه مورد توجه است.

۵-۲. مذهب مالکی

فقه‌های مالکی نیز قصاص را بر پایه قرآن و سنت پذیرفته‌اند. در این مذهب، علاوه بر حق اولیای دم، جنبه عمومی حفظ نظم و جلوگیری از افراط در انتقام‌جویی برجسته است. در نتیجه، اجرای قصاص هرچند به اولیای دم وابسته است، اما در چارچوب اقتدار قضایی و مصلحت اجتماعی معنا می‌یابد. در فقه مالکی، اعدام به‌عنوان مجازات تعزیری در برخی جرایم بسیار سنگین، به‌ویژه درباره زندیق آشکارکننده عقیده الحادی یا کفرآمیز، پذیرفته شده است. در این دیدگاه، اگر شخص پس از اظهار اسلام، عقیده‌ای مخالف اسلام را پنهان کند و سپس آن را آشکار سازد، موضوع تنها ارتداد عادی تلقی نمی‌شود؛ بلکه به دلیل خطر او برای دین و جامعه، امکان قتل وی مطرح می‌گردد. در نقل فقه مالکی، درباره زندیق میان توبه پیش از دستگیری و توبه پس از دستگیری و آشکارشدن جرم تفاوت گذاشته شده و در حالت دوم، توبه او الزاماً مانع اجرای مجازات دانسته نمی‌شود. همچنین در مذهب مالکی، با تکیه بر مصلحت عمومی و سیاست شرعی، قلمرو مجازات‌های شدید از جمله قتل تعزیری نسبت به برخی مذاهب دیگر گسترده‌تر دانسته شده است؛ البته این امر به معنای جواز اعدام برای هر جرم یا اختیار مطلق حاکم نیست و باید بر اساس عنوان شرعی، ادله معتبر و مصلحت عمومی احراز شود (ابن رشد، ۱۴۰۸، ق. ج. ۲، ص. ۴۰۳).

۵-۳. مذهب شافعی

شافعیان قصاص را از احکام ثابت شریعت می‌دانند و آن را در قتل عمد و برخی جنایات عمدی بر عضو لازم‌الاجرا می‌شمارند. در این مذهب نیز عفو و دیه جایگاه مهمی دارد، اما رعایت دقت در احراز عمد و مماثلت در اجرا مورد تأکید قرار می‌گیرد (نووی، ۱۴۱۲ ق. ج. ۹، ص ۱۷۴). مذهب محمد بن ادریس شافعی در بسیاری از مسائل به دیدگاه امامیه نزدیک‌تر است.

امام شافعی مجازات‌های حدی منتهی به مرگ را، در صورت تحقق شرایط اثبات، در چارچوب احکام شرعی می‌پذیرد؛ از جمله:

۱. رجم زانی محسن؛

۲. قتل در برخی صور محاربه، مطابق نوع جرم و شرایط آن؛

۳. قتل مرتد پس از احراز ارتداد و طی مراحل مقرر در فقه.

این موارد از دیدگاه فقهی، «قصاص» محسوب نمی‌شوند؛ زیرا قصاص واکنش به قتل عمد بزه‌دیده خصوصی است، در حالی که حدود، مجازات‌های شرعی با شرایط اثبات خاص خود هستند و حاکم اسلامی حق تعطیل یا تغییر آن را ندارد (شافعی، ۱۴۱۰ ق. ج. ۷، ص. ۳۴۶؛ نووی، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۱، ج. ۷، ص. ۳۳۴). در خصوص قتل تعزیری، دیدگاه شافعی نسبتاً محدودتر از دیدگاه مالکی و حنبلی گزارش می‌شود. اصل بر این است که تعزیر به مجازات‌هایی غیر از قتل محدود باشد و قتل تعزیری تنها در موارد استثنایی و با مستند شرعی یا ضرورت بسیار قوی قابل بحث است. از این رو، نمی‌توان پذیرش قصاص یا برخی حدود را به معنای پذیرش گسترده اعدام تعزیری دانست.

۴-۵. مذهب حنبلی

در فقه حنبلی، قصاص از مهم‌ترین احکام کیفری اسلام است و ابن‌قدامة در المغنی به تفصیل درباره شرایط، ادله و آثار آن بحث کرده است. در این مذهب نیز قصاص هم مبنای شرعی دارد و هم کارکرد بازدارنده و اصلاحی، و در عین حال امکان گذشت و مصالحه در آن پذیرفته شده است (ابن قدامة، ۱۴۱۷ ق. ج. ۸، ص. ۲۴۲). لازم به ذکر است که پیروان احمد بن حنبل قصاص را از مهم‌ترین ابزارهای حفظ نظم اجتماعی می‌دانند. در فقه حنبلی، برخلاف قصاص، اجرای حدود اصولاً به اختیار شخصی اولیای دم واگذار نمی‌شود؛ زیرا حد، حق عمومی یا حق شرعی تلقی می‌شود و پس از اثبات، تابع قواعد خاص خود است (ابن قدامة، ۱۴۱۷ ق. ج. ۱۰، ص. ۳۰۱). فقه حنبلی نیز مجازات‌های حدی منتهی به مرگ را در موارد مقرر می‌پذیرد؛ از جمله:

۱. رجم زانی محسن؛

۲. قتل در برخی مصادیق محاربه؛

۳. قتل مرتد پس از احراز ارتداد و رعایت شرایط فقهی.

یکی از تفاوت‌های مهم فقه حنبلی با دیدگاه محدودتر حنفی و شافعی، پذیرش گسترده‌تر قتل تعزیری در موارد استثنایی است. بر اساس مبانی مطرح‌شده در فقه حنبلی و اندیشه ابن‌تیمیه و ابن‌قیم، اگر شخصی منشأ فساد مستمر، تهدید جدی علیه جامعه یا ارتکاب جرایم بسیار خطرناک باشد و راه‌های دیگر برای دفع خطر کافی نباشد، امکان قتل او در چارچوب سیاست شرعی مطرح شده است.

البته این دیدگاه به معنای اختیار نامحدود حاکم برای اعدام نیست؛ بلکه باید شرایطی مانند موارد زیر احراز شود:

۱. شدت و استمرار خطر؛

۲. ناتوانی یا ناکارآمدی مجازات‌های خفیف‌تر؛

۳. تحقق مصلحت عمومی واقعی؛

۴. رعایت ضوابط اثبات و دادرسی؛

۵. نبودن امکان دفع خطر از طریق مجازات مناسب‌تر.

۶. مقایسه تطبیقی فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت

۶-۱. اشتراکات

بررسی تطبیقی قصاص و اعدام در فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت نشان می‌دهد که اصل مشروعیت قصاص، به‌ویژه در جنایات عمدی علیه نفس و اعضا، در میان همه مذاهب اسلامی پذیرفته شده است. قرآن، سنت و اجماع فقها، مبنای مشترک این حکم هستند. همچنین در همه مذاهب، قصاص فقط در قتل عمد و در موارد مشابه عمدی قابل اعمال است و عفو و مصالحه به عنوان راه حل جایگزین شناخته می‌شود.

۶-۲. تفاوت‌ها

تفاوت اصلی در نحوه تحلیل ماهیت قصاص و نقش اولیای دم و حاکم است. در فقه امامیه، قصاص بیشتر به عنوان حق خصوصی تحلیل می‌شود. در برخی تقریرهای اهل سنت، گرچه حق اولیای دم پذیرفته شده، اما اقتدار قاضی و مصلحت عمومی نیز برجسته‌تر است. همچنین در برخی فروع، نحوه اجرای قصاص و آثار گذشت در مذاهب اهل سنت با فقه امامیه تفاوت‌های جزئی دارد. در نحوه نگرش به اعدام ناشی از حدود و سیاست شرعی تفاوت‌هایی وجود دارد:

فقه امامیه:

در فقه امامیه بر حق محوری ولی‌دم تأکید شدید دارد. در قصاص، حاکم تنها نقش تسهیل‌گر و ناظر را دارد. در اعدام‌های حدی نیز، فقه امامیه به «درأ» (توقف حد با شبهه) بسیار اهمیت می‌دهد و به دلیل روایات خاص، در بسیاری از حدود، راه را برای اثبات سخت می‌کند (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج. ۲، صص. ۴۸۵-۴۹۰).

مذاهب چهارگانه اهل سنت:

حنفی: به دلیل مبنای فقهی خود، در بسیاری از موارد مشکوک، قصاص را به «دیه» تبدیل می‌کند و در حوزه حدود، سخت‌گیری در ادله اثبات را (مانند امامیه) برای جلوگیری از اجرای مجازات سالب حیات سرلوحه قرار می‌دهد.

مالکی، شافعی و حنبلی: در خصوص حق حاکم برای اجرای مجازات‌های سالب حیات (تعزیرات منجر به اعدام) برای حفظ نظم عمومی (سیاست شرعی)، به‌ویژه در جرایم امنیتی، اختیارات گسترده‌تری برای حاکم قائل‌اند و اعدام را در برخی موارد برای «مصلحت عامه» (المصالح المرسله) موجه می‌دانند.

در باب ادله اثبات، همه مذاهب به اقرار، شهادت، و در برخی موارد قرائن معتبر توجه دارند، اما میزان سخت‌گیری در اثبات قصاص، به‌ویژه قتل عمد، در مکاتب اهل سنت غالباً بیشتر است. در فقه امامیه نیز اصل احتیاط در دماء بسیار برجسته است و از این‌رو، اثبات قتل عمد باید با ادله معتبر و بدون تردید باشد. درباره عفو و گذشت، امامیه بیش از سایر مکاتب، نقش اراده اولیای دم را در سقوط یا تبدیل قصاص برجسته می‌سازد. در مذاهب اهل سنت نیز گذشت پذیرفته شده است، اما در تبیین نسبت آن با حق عمومی و امکان دخالت حاکم، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. به‌طور کلی، می‌توان گفت که در فقه امامیه، قصاص بیشتر به‌مثابه حق خصوصی مشروط به نظارت شرع فهم می‌شود، اما در برخی تقریرهای اهل سنت، این نهاد بیش از آن که صرفاً حق شخصی باشد، ابزار حفظ نظم الهی و اجتماعی نیز محسوب می‌شود. از منظر تحلیلی، اعدام در معنای عام خود در همه مذاهب اسلامی یکسان با قصاص نیست. قصاص تنها یکی از موارد سلب حیات است، حال آن‌که اعدام می‌تواند در حدود، تعزیرات خاص، یا جرایم شدید دیگر نیز مطرح شود. از این‌رو، نسبت میان قصاص و اعدام، نسبت عموم و خصوص من‌وجه یا دست‌کم نسبت مفهومی غیرتطابقی است: هر قصاص نفس به اعدام می‌انجامد، اما هر اعدام لزوماً قصاص نیست. این تمایز در فقه امامیه و نیز در فقه مذاهب چهارگانه اهل سنت قابل مشاهده است و برای تحلیل حقوق کیفری ایران اهمیت بنیادین دارد.

۳-۶. جایگاه حق الله و حق الناس

در فقه امامیه، قصاص عمدتاً در قلمرو حق الناس قرار می گیرد، در حالی که اعدام در حدود و برخی جرایم خاص، ماهیتی حق اللهی یا عمومی دارد. در مذاهب اهل سنت نیز همین تقسیم بندی به صورت کلی پذیرفته شده است، اما درجه تأکید بر هر یک متفاوت است.

۴-۶. نقش حاکم و اولیای دم

در همه مذاهب، اجرای قصاص بدون نظارت حاکم یا قاضی مشروع نیست. با این حال، فقه امامیه نقش اولیای دم را در ابتدای فرایند برجسته تر می سازد، در حالی که در فقه اهل سنت، گاه نقش دولت و اقتدار قضایی در اجرای نهایی حکم پررنگ تر است.

جدول ۱. تفاوت مبانی فقهی و حقوقی قصاص و اعدام در فقه امامیه و چهار مذهب اهل سنت

مذاهب چهارگانه اهل سنت	فقه امامیه
عمدتاً حق الناس، اما با دخالت پررنگ تر قاضی در برخی مذاهب.	حق الناس محض. اختیار مطلق در عفو یا اجرا با اولیای دم است.
دولت در اجرای قصاص و حدود، اقتدار بیشتری برای حفظ انتظام دارد.	دولت ناظر و مجری است (در عرض حق الناس)
رویکرد به ادله اثبات متفاوت است؛ برخی مذاهب در حدود حق الله سخت گیرترند.	سخت گیری شدید در اثبات (قاعده درأ)؛ شبهه در هر مرحله حد را ساقط میکند.
مفهوم «تعزیر تا حد قتل» در سیاست شرعی، دست حاکم را بازتر می گذارد.	اختیارات حاکم در تعزیرات منجر به اعدام محدود به موازین است.

جدول ۲. تطبیق قصاص و اعدام در فقه اسلامی

معیار	قصاص (همه مذاهب)	اعدام (حدود و سیاست شرعی)
ماهیت	حق الناس (حق خصوصی اولیاد)	حق الله (حفظ نظم و مصلحت عمومی)
مبنا مشروعیت	قرآن (بقره: ۱۷۹) و مماثلت	نصوص شرعی یا صلاح دید حاکم

نقش اولیای دم	اراده ان ها نافذ است(عفو،دیه یا قصاص)	اراده ان ها دخالتی در اجرا ندارد
نقش حاکم	ناظر و مجری (پس از درخواست اولیای دم)	مباشرت مستقیم در تعقیب و اجرا
امکان عفو	به طور کامل پذیرفته شده	اصولاً قابل عفو نیست(به ویژه در حدود)
قلمرو جنایی	جنایت عمدی علیه نفس و عضو	جرائم علیه امنیت،حدود(زنا،محرابه و ...)
هدف اصلی	احقاق حق بزه دیده و عدالت ترمیمی	حفظ کیان جامعه و اجرای احکام الهی

۷. جایگاه قصاص و اعدام در حقوق کیفری ایران

در نظام حقوقی ایران، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مهم‌ترین منبع تقنینی در حوزه قصاص است و در کنار آن، کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) و برخی قوانین خاص، قلمرو اعدام را تعیین می‌کنند. بر اساس ساختار این قانون، قصاص نفس و قصاص عضو در زمره پاسخ‌های کیفری مبتنی بر جنایت عمدی قرار گرفته‌اند و به‌طور مستقیم با اراده مجنی علیه یا اولیای دم پیوند دارند.

۷-۱. قصاص در قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی، قصاص نفس در قتل عمد جایگاه محوری دارد و اجرای آن منوط به تحقق شرایط قانونی، احراز عمد، و رعایت ضوابط اثباتی است. همچنین، قانونگذار با الهام از فقه امامیه، حق مطالبه قصاص را برای اولیای دم به رسمیت شناخته و در عین حال، امکان عفو، مصالحه بر دیه، یا اسقاط حق را پیش‌بینی کرده است. این امر نشان می‌دهد که قانون ایران قصاص را صرفاً به‌عنوان کیفر دولتی نمی‌فهمد، بلکه آن را نهادی با ماهیت حق‌الناسی و در عین حال تحت نظارت قضایی می‌داند. در نتیجه، اجرای قصاص نه خودسرانه است و نه صرفاً مبتنی بر اراده خصوصی؛ بلکه نیازمند رسیدگی قضایی و صدور حکم دادگاه صالح است. در خصوص قصاص عضو نیز قانون مجازات اسلامی با تفصیل بیشتری به مماثلت، شرایط سلامت عضو، امکان اجرای بدون تعدی، و موانع فنی و شرعی پرداخته است. هدف اصلی در این بخش، حفظ تعادل میان حق بزه‌دیده و جلوگیری از انتقام‌جویی نامحدود است. از سوی دیگر، دیه به‌عنوان بدل یا جانشین قانونی در مواردی که قصاص ممکن نباشد یا با تراضی طرفین به دیه تبدیل شود، جایگاه مهمی دارد.

۷-۲. اعدام در حدود، تعزیرات و قوانین خاص

اعدام در مواردی ممکن است بر حق‌الله و نظم عمومی استوار باشد، و در حدود شرعی خاص، برخی جرایم تعزیری شدید، و نیز در مقررات خاص کیفری و امنیتی نیز دیده می‌شود. در مواد ۲۷۹ تا ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، برای محاربه و افساد فی‌الارض در موارد خاص مجازات اعدام پیش‌بینی شده است. به‌طور مشخص، ماده ۲۸۲ یکی از چهار مجازات حد محاربه را اعدام می‌داند و ماده ۲۸۶ نیز برای افساد فی‌الارض مجازات اعدام را مقرر کرده است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲). بنابراین، اعدام در نظام کیفری ایران مفهومی عام‌تر از قصاص دارد و در برخی جرایم، جنبه عمومی و حق‌اللهی پیدا می‌کند.

همچنین، کتاب تعزیرات در قانون مجازات اسلامی، زمینه اعمال برخی مجازات‌های سالب حیات را در قالب جرایم خاص فراهم

می‌کند، هرچند این موارد از حیث مبنا و ماهیت با قصاص متفاوت‌اند. بدین ترتیب، نظام حقوقی ایران ترکیبی است از:

۱. قصاص به‌عنوان پاسخ به جنایت عمدی مستوجب حق‌الناس؛

۲. اعدام به عنوان مجازات مقرر در حدود یا قوانین خاص؛

۳. دیه به عنوان بدل یا جبران مالی؛

۴. عفو و صلح به عنوان ابزارهای کاهش خشونت کیفری و تقویت مصالحه.

۷-۳. تاثیر فقه امامیه بر قانونگذاری کیفری ایران

قانون مجازات اسلامی ایران به وضوح از فقه امامیه تأثیر پذیرفته است. برجسته شدن نقش ولی دم، پذیرش امکان عفو، صلح و دیه، و تفکیک قصاص از مجازات‌های حدی و تعزیری از نشانه‌های این تأثیر است. با این حال، قانون‌گذار معاصر ناگزیر بوده است میان مبانی فقهی و اقتضائات نظم عمومی و سیاست جنایی جدید تعادل برقرار کند.

۷-۴. تمایز تقنینی قصاص و اعدام در حقوق ایران

در حقوق ایران، قصاص و اعدام هر دو منجر به سلب حیات می‌شوند، اما از حیث مبنا، صاحب حق، شرایط اجرا و آثار حقوقی متفاوت‌اند. قصاص، به‌ویژه قصاص نفس، قائم به درخواست اولیای دم است و امکان عفو و صلح در آن وجود دارد. اعدام اما ممکن است در حدود و تعزیرات، مستقل از اراده بزه‌دیده و بر اساس مصلحت عمومی اعمال شود. این تفکیک برای فهم نظام کیفری ایران و جلوگیری از خلط مفاهیم ضروری است.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت در اصل مشروعیت قصاص و ضرورت حفظ جان انسان اتفاق نظر دارند و همگی مشروعیت آن را بر قرآن، سنت و اجماع مبتنی می‌دانند. با این حال، در برخی شرایط اجرا، قلمرو شمول، جایگاه اولیای دم و نقش حکومت، اختلافاتی مشاهده می‌شود. همچنین بررسی تطبیقی نشان داد که قصاص در فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت، نهادی مشروع و مبتنی بر نصوص شرعی است، اما در تفسیر ماهیت آن، شرایط اجرا، و نسبت آن با حق‌الله و حق‌الناس اختلافاتی وجود دارد. در فقه امامیه، جنبه حق‌الناسی قصاص و نقش تعیین‌کننده اولیای دم برجسته‌تر است. با این حال، همه مذاهب در اصل مشروعیت قصاص، لزوم عمدی بودن جنایت، و امکان عفو و مصالحه اشتراک دارند. از سوی دیگر، روشن شد که اعدام مفهومی عام‌تر از قصاص است، پس دو نهاد مستقل هستند و صرفاً اشتراک آن‌ها در سالب حیات بودن است، پس نباید این دو را مترادف دانست. قصاص نفس یکی از مصادیق سلب حیات است، اما اعدام می‌تواند در حوزه‌های دیگر نیز، به‌ویژه حدود و برخی مجازات‌های قانونی، مطرح شود. این تمایز در حقوق کیفری ایران نیز بازتاب یافته است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با الهام از فقه امامیه، قصاص را به عنوان نهادی حق‌الناسی و قابل اسقاط توسط اولیای دم تنظیم کرده، در حالی که اعدام را در قالب‌های متنوع‌تری از جمله حدود و برخی قوانین خاص پیش‌بینی کرده است. بر این اساس، فرضیه مقاله تأیید می‌شود: اصل مشروعیت قصاص در همه مذاهب پذیرفته شده است، اما اختلاف در قلمرو، فلسفه، شرایط اثبات، و نسبت آن با اقتدار حاکم، بر ساختار حقوق کیفری ایران اثر مستقیم گذاشته است. نتیجه آن‌که نظام کیفری ایران نه صرفاً بازتاب یک مکتب فقهی، بلکه حاصل تلفیق فقه امامیه، ملاحظات تقنینی، و الزامات نظم عمومی است. این تلفیق سبب شده است که قصاص و اعدام در حقوق ایران، هم‌زمان واجد ماهیت شرعی، کیفری و اجتماعی باشند. قصاص مبتنی بر حق خصوصی و جبران جنایت است، در حالی که اعدام مجازاتی عمومی برای حفظ نظم اجتماعی و اجرای حدود شرعی محسوب می‌شود. قانون مجازات اسلامی ایران نیز با تبعیت از مبانی فقه امامیه، این تمایز را پذیرفته و ساختار مستقلی برای هر یک پیش‌بینی کرده است.

منابع

- ابن رشد، محمد بن احمد. (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸). *بداية المجتهد و نهاية المقتصد*. بيروت: دارالجيل.
- ابن قدامة، عبدالله بن احمد. (۱۴۱۷ق/۱۹۹۷). *المغنى*. بيروت: دار عالم الكتب.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۴۰۰). *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم. تهران: میزان.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۲۱ق). *تحریر الوسیله*. جلد دوم. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۰۲ش). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
- حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی). (۱۴۰۸ق). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد چهارم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خلیل، احمد بن محمد (در صورت استفاده از منابع مالکی). *مختصر خلیل*. بيروت: دارالفکر.
- رحمدل، منصور. (سال انتشار در صورت استفاده). *حقوق کیفری عمومی*. تهران: میزان.
- زحیلی، وهبه. (۱۴۱۸ق). *الفقه الاسلامی و أدلته*. جلد هفتم. دمشق: دارالفکر.
- سرخسی، محمد بن احمد. (۱۹۹۳). *المبسوط*. جلد بیست‌وششم. بيروت: دارالمعرفة.
- شافعی، محمد بن ادریس. (۱۴۱۰ق). *الأم*. جلد هفتم. بيروت: دارالمعرفة.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الاسلام*. جلد پانزدهم. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (در صورت استفاده). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کاسانی، علاء‌الدین ابوبکر بن مسعود. (۱۳۶۵). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*. جلد هفتم. بيروت: دارالکتب العلمیه.
- قانون مجازات اسلامی. (۱۳۹۲). تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- قرآن کریم.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد چهارم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- میرمحمدصادقی، حسین. (۱۴۰۱). *حقوق جزای اختصاصی: جرایم علیه اشخاص*. جلد دوم. تهران: میزان.
- نجفی، محمدحسن. (۱۹۸۱). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. جلد چهل‌ودوم. بيروت: دار إحياء التراث العربی.
- نووی، یحیی بن شرف. (۱۴۱۲ق/۱۹۹۱). *المجموع شرح المذهب*. جلد هفتم و نهم. بيروت: دارالفکر.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۸۳). *بایسته‌های فقه جزا*. جلد دوم. قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.